



## بررسی حکم نقصان در تشهد از دیدگاه فقهای امامیه

محمد نجفی\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۷

### چکیده

نماز یکی از واجبات مهم دین اسلام است و احکام و مسائل متعددی را شامل می‌شود. یکی از مباحث مهم در فقه، احکام نقصان در اجزاء نماز است. نقصان به معنای کم شدن چیزی از نماز است که می‌تواند به صورت عمدی یا سهوی اتفاق بیفتد. هدف این تحقیق، بررسی حکم نقصان در تشهد از دیدگاه فقهای امامیه است. ضرورت این تحقیق، روشن شدن احکام شرعی مربوط به نقصان در اجزاء غیر رکنی نماز و اختلافات موجود در این زمینه است. روش این تحقیق به صورت تحلیلی و توصیفی می‌باشد که به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع شیعی به طور آمیزه‌ای و تلفیقی انجام شده است. نقصان عمدی در تشهد چه قبل و چه بعد از محل تدارک موجب بطلان نماز می‌شود. نقصان سهوی در تشهد اگر قبل از محل تدارک باشد باید برگردد و آن را دوباره اعاده کند اما اگر بعد از محل تدارک باشد در این مسئله بین فقها اختلاف می‌باشد مشهور قائل وجوب قضای تشهد را فراموش شده و علاوه بر آن باید بعد از نماز سجده سهو نیز بجا بیاورد. اما بعضی قائل به وجوب سجده سهو فقط می‌باشند و بیان می‌کنند که تشهد در سجده سهو ما را از قضای تشهد فراموش شده بی‌نیاز می‌کند اما برخی دیگر قائل به بطلان نماز می‌باشد.

کلیدواژگان: حکم، نقصان، عمدی، سهوی، تشهد، رکن، غیررکن، محل تدارک.

## مقدمه

نماز، یکی از واجبات مهم دین مبین اسلام و از ارکان اساسی آن به شمار می‌رود. این فریضه الهی، نه تنها تکلیف شرعی مسلمانان است، بلکه فرصتی برای راز و نیاز با خالق هستی، تزکیه نفس و ارتقای روح و جان انسان نیز محسوب می‌شود. انجام صحیح نماز، مستلزم آگاهی از احکام و مسائل مربوط به آن است. از آنجا که نماز واجبی است که در طول زندگی بارها و بارها تکرار می‌شود، دانستن احکام دقیق آن از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از مباحث مهم در فقه، احکام نقصان در اجزاء نماز است. نقصان به معنای کم شدن چیزی از نماز است که می‌تواند به صورت عمدی یا سهوی اتفاق بیفتد. این پژوهش به طور خاص به بررسی حکم نقصان در تشهد، یکی از اجزاء مهم نماز، از دیدگاه فقهای امامیه می‌پردازد. تشهد، بخشی از نماز است که در آن بر وحدانیت خداوند، رسالت پیامبر اکرم (ص) و امامت ائمه اطهار (ع) شهادت داده می‌شود. با توجه به اهمیت نماز و جایگاه تشهد در آن، بررسی احکام نقصان در این بخش از نماز از ضرورتی انکارناپذیر برخوردار است. این پژوهش به دنبال روشن کردن احکام شرعی مربوط به نقصان در تشهد و رفع ابهامات و اختلافات موجود در این زمینه می‌باشد.

## حکم نقصان عمدی در تشهد

در این قسمت از پژوهش به بیان حکم نقصان عمدی در تشهد پرداخته می‌شود.

### کلام مرحوم نائینی

ایشان می‌فرمایند در اینکه خلل عمدی موجب بطلان نماز می‌شود کلام نیست و همچنین در آن اشکالی نیست. (نائینی، کتاب الصلاة، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۸۸)

ایشان دلیل بطلان نماز را در صورت خلل عمدی این گونه بیان می‌کنند که اگر ایجاد خلل عمدی سبب بطلان نماز نشود لازمه آن این است که اجزاء نماز از جزئیت بیفتند و دیگر خارج از اجزاء نماز باشند.

این امر سبب خلف می‌شود و خلف باطل است پس نتیجه می‌گیریم بطلان نماز به وسیله انجام دادن خلل عمدی به تبع جعل جزئیت برای اجزاء نماز می‌باشد. (همان)





### کلام سید مصطفی خمینی

ایشان می‌فرمایند مقتضای قواعد اولیه این است که نقصان عمدی موجب بطلان می‌شود خواه کم باشد و یا زیاد باشد و حال خواه نقصان به جزئی از اجزاء نماز باشد یا شرطی از شروط نماز و یا قیدی یا وصفی از اوصاف نماز باشد. (الخمینی، الخلل فی الصلاة، ۱۳۹۲ش، ص ۷)

ایشان دلیل این حکم را ضرورت عقلی و شرعی بیان می‌کنند و همچنین ایشان بیان می‌کنند و توهم اینکه امکان دارد حدیث لا تعاد شامل این فرض بشود موجه نمی‌باشد. بلکه می‌توان در این فرض ادعای منحل شدن نماز را کرد چرا که صدق عنوان نماز به حسب مراتب نسبت به آن مقداری است که نماز از نظر عرف و شرع نیاز به اعاده ندارد مانند اخلال به سوره حمد و تکبیرت حرام و مانند این موارد است که در مورد اینان روایت است نماز بدون سوره حمد نماز نمی‌باشد یا اینکه به نسبت ارکان نماز است یا نسبت به آن پنج موردی است که در حدیث لا تعاد استثنا شده‌اند.

اما اجماعی که از جماعتی از فقهاء حکایت شده است اگر چه اجماع مدرکی است اما نمی‌تواند دلیل خاص شرعی بر بطلان باشد زیرا که عقل به تنهایی بطلان را می‌فهمد. (همان)

### حکم نقصان سهوی در تشهد

#### قائلین به بطلان نماز

صاحب حدائق بیان می‌کنند که احتیاط این است که نماز را دوباره اعاده کنیم. اما احتیاط در مسئله اعاده دوباره نماز است به دلیل موثقه عمار که عبارت است از «عن أبي عبد الله (عليه السلام) في رواية قال: فيها [و إن لم يذكر شيئاً من التشهد أعاد الصلاة]» و همچنین مانندای روایت از حمیری در کتاب قرب اسناد که عبارت است از «[من سهى عن ركن] يرجع إليه ما لم يدخل في ركن آخر». (بحرانی، شرح الرسالة الصلواتیه، ق ۱۴۲۲، ص ۸۳)

و از مرحوم سید یزدی نقل شده است که در صورت فراموشی تشهد نماز باطل می‌شود و مستند آنان دو روایت است.

روایت اول: موثقه عمار «عن أبی عبد الله (علیه السلام)» قال: إن نسی الرجل التشهد فی الصلاة فذكر أنه قال: بسم الله، فقد جازت صلاته، و إن لم يذكر شيئاً من التشهد أعاد الصلاة (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۰۳، أبواب التشهد ب ۷ ح ۷)».

روایت دوم: علی بن جعفر «عن رجل ترك التشهد حتى سلم كيف يصنع؟ قال: إن ذكر قبل أن يسلم فليتشهد و عليه سجداً سهواً، و إن ذكر أنه قال: أشهد أن لا إله إلا الله، أو بسم الله، أجزاءه فی صلاته، و إن لم يتكلم بقليل و لا كثير حتى يسلم أعاد الصلاة (همان، ص ۴۰۴)».

اما روایت دوم ضعیف است به دلیل وجود عبدالله بن حسن اما عمده روات موثق هستند تنها مشکل این است که این دو خبر معارض هستند با اخبار مستفیضه‌ای که معتبر هستند اگر به حد تواتر نرسیده باشد که تصریح به عدم بطلان نماز دارد که از جمله آن روایات صحیحه لاتعداد است پس شکی نیست که آن نصوص ترجیح دارند به دلیل کثرتشان بلکه به دلیل اینکه اصحاب بر آن اجماع کرده‌اند زیرا که به روایت موثقه به غیر از کاتب هیچ کسی عمل نکرده است. (خوبی، موسوعه الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۸، ص ۹۵)

### قائلین به وجوب سجده سهو فقط

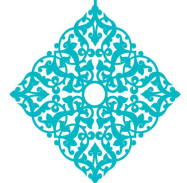
#### کلام یوسف بحرانی

اگر کسی تشهد را فراموش کرد و قبل از رکوع رکعت بعد یادش آمد که تشهد را نخوانده است باید برگردد و تشهد را بخواند در این حکم اختلافی بین فقهاء وجود ندارد. (بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۱۳۹)

صاحب کتاب حدائق قائل به عدم وجوب قضای آن هستند زیرا که تشهدی که در سجده سهو است را مجزی از قضای آن می‌دانند

ایشان دلیل این حکم را اخبار می‌دانند عبارت هستند (بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۱۴۰) از:

روایت سلیمان بن خالد «ما رواه الشيخ فی الصحيح عن سلیمان ابن خالد (۱)» قال: «سألت أبا عبد الله (علیه السلام) عن رجل نسیان یجلس فی الركعتین الأولتین؟ فقال إن





ذکر قبلان یرکع فلیجلس و إن لم یذکر حتی یرکع فلیتم الصلوة حتی إذا فرغ فلیسلم و یسجد سجدتی السهو (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق، الباب ۷ من التشهد)».

روایت عبدالله بن سنان «و عن عبد الله بن سنان فی الصحیح عن ابی عبد الله (علیه السلام) «۲» قال: «سألته عن الرجل یصلی رکعتین من المكتوبة فلا یجلس فیهما؟ فقال إن کان ذکر و هو قائم فی الثالثة فلیجلس و إن لم یذکر حتی یرکع فلیتم صلاته ثم یسجد سجدتین و هو جالس قبلان یتکلم (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق، الباب ۷ من التشهد و الراوی هو عبد الله بن ابی یعفر و لم نجد روایة بهذا اللفظ لعبد الله بن سنان)».

روایت حلبی «عن الحلبي فی الصحیح أو الحسن عن ابی عبد الله (علیه السلام) «۳» قال:

«إذا قمت فی الرکتین من الظهر أو غيرها و لم تشهد فیهما فذکرت ذلك فی الرکعة الثالثة قبل إن ترکع فاجلس و تشهد و قم فأتم صلاتک، و إن أنت لم تذکر حتی ترکع فامض فی صلاتک حتی تفرغ فإذا فرغت فاسجد سجدتی السهو بعد التسليم قبلان تتکلم» (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق، الباب ۹ من التشهد)

مرحوم موسوی عاملی در کتاب مدارک می‌فرماید مصنف در کلام خود چیزی در مورد حکم نسیان سجده در رکعت آخر و تشهد رکعت آخر نگفته است و بهتر این است اگر قبل از سلام متوجه شد تدارک کند اگر چه قائل به استحباب انجام آن دو شده‌ایم زیرا که امر به انجام آن دو اطلاق دارد و محلشان نیز باقی است اما اگر بعد از سلام متوجه شد اگر دو سجده را فراموش کرده باشد نماز باطل است زیرا رکن را فوت کرده است اما اگر تشهد یا سجده واحد بود آن را قضا می‌کند به دلیل اطلاق صحیحه ابن سنان که عبارت است از «قوله (علیه السلام) فی صحیحة ابن سنان «إذا نسیت شیئا من الصلوة رکوعا أو سجودا أو تکبیرا فاقض الذی فاتک سهوا (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق، الباب ۲۶ من الخلل فی الصلوة)» و صحیحه مح بن مسلم که عبارت است از «و صحیحة محمد ابن مسلم عن أحدهما (علیهما السلام) «فی الرجل یفرغ من صلاته و قد نسی التشهد حتی ینصرف؟ فقال إن کان قریبا رجع الی مکانه فتشهد و إلا طلب مکانا نظیفا فتشهد فيه (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق، الباب ۷ من التشهد)».

مرحوم بحرانی در جواب ایشان می‌فرماید: آنچه که در مورد قضای تشهد رکعت آخر گفتند که اگر بعد از سلام متوجه شد باید قضای آن را بجا بیاورد درست می‌باشد به دلیل روایت صحیح محمد بن مسلم که آن را قبلاً ذکر کردیم که ظهور در در رکعت آخر دارد اما آنچه که در مورد قضای سجده واحد در رکعت آخر بیان کردن و آن را استناد دادند به روایت صحیح عبدالله بن سنان را نمی‌توان قبول کرد زیرا که این روایت صحیح و آن دسته از روایت که مانند آن هستند بر اطلاق خود باقی است و حمل بر سجده واحد نمی‌شود (بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۱۴۱) آن روایات عبارت هستند از صحیح حکم بن حکیم: «کصحیح حکم بن حکیم عن ابی عبد الله (علیه السلام) (۲)» «فی رجل ینسی من صلاته رکعة أو سجدة أو الشیء منها ثم یذکر بعد ذلک؟ فقال یقضی ذلک بعینه فقلت أ یعید الصلاة؟ قال لا (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق، الباب ۱۱ من الركوع و ۳ من الخلل فی الصلاة)».

و همچنین روایت حلبی: «و روایة الحلبي عنه (عليه السلام) (۳) قال: «إذا نسيت من صلاتک فذکرت قبل إن تسلم أو بعد ما تسلم أو تکلمت فانظر الذی کان نقص من صلاتک فأتمه (هذه الرواية ذکرها الشهيد فی الذکری فی المسألة الرابعة من مسائل السهو و نقلها المجلسی فی البحار، ج ۱۸، ص ۶۴۳؛ من الذکری و کذا الفاضل الخراسانی فی الذخيرة فی المسألة السابعة من المسائل التي حررها تعليقا علی قول المصنف «و لو ذکر السجود و التشهد بعد الركوع قضاهما» و لم تقف علیها فی الوافی و الوسائل بعد الفحص عنها فی مظانها)».

تمام این روایات مشترک هستند در دلالت بر قضا افعال فراموش شده هر چه که باشد اگر چه رکن باشند و کسی از اصحاب قائل به قضای افعال معین مانند سجده واحد و تشهد و قنوت نشده است و همچنین نماز باطل می‌شود اگر رکنی از نماز فراموش شود مثلا اگر رکوع فراموش شود یا دو سجده فراموش شود حال چگونه می‌شود می‌شود آن را استناد کرد به اطلاق صحیح که قبلاً ذکر کردیم؟

در حالی که اخباری که قبلاً ذکر کردیم دلالت بر قضای سجده واحد می‌کردن در غیر از رکعت آخر بنابراین حکم فراموشی سجده آخر بدون دلیل و مستند می‌باشد و استناد





دادن آن اطلاق این روایت و مانند آن در حالی که متعرض به این مطلب نشده‌اند زیرا اگر این گونه بود باید قائل به قضای ارکان مانند رکوع و تکبیر و مانند آن‌ها می‌شدیم در حالی که اصلاً کسی قائل به آن نمی‌باشد...

در کل اگر چه در ظاهر اختلافی بین اصحاب در حکم به قضا نیست اما دلیل قاصر از این حکم است زیرا که روایاتی که قبلاً ذکر کردیم موردشان غیر از سجده رکعت آخر بوده است. (بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۱۴۲)

مرحوم یوسف بحرانی در کتاب شرح رساله صلاتیه می‌فرماید در حکم تشهد فراموش شده علاوه بر سجده سهو واجب است که قضای آن را نیز بجا بیاورد و مشهور فقهاء قائل به این نظر هستند و همچنین ایشان از صدوقین و شیخ و شیخ مفید نقل می‌کنند که اینان قائل به این هستند که تشهدی که در سجده سهو است مجزی از قضای تشهد فراموش شده است. (بحرانی، شرح الرسالة الصلواتیه، ۱۴۰۳ق، ص ۸۳)

### روایاتی که دلالت بر نظر مشهور می‌کنند:

روایت اول: «عن أحدهما (عليهما السلام) في الرجل يفرغ من صلاته و قد نسي التشهد حتى ينصرف؟ قال: [إن كان قريباً رجع إلى مكانه فتشهد و إلا طلب مكاناً نظيفاً فتشهد عنه و قال: إنما التشهد سنة في الصلاة].»

روایت دوم: «قال: أبو عبد الله (عليه السلام) [إذا قمت في الركعتين و لم تتشهد فذكرت قبل أن تركع فاقعد و تشهد و إن لم تذكر حتى تركع، فامض في صلاتك كما أنت فإذا انصرفت سجدة سجدة لا ركوع فيها ثم تشهد التشهد الذي فاتك]. و همچنین روایاتی که بر قول دیگر دلالت می‌کنند

روایت اول: «قال: أبو عبد الله (عليه السلام) [إذا قمت في الركعتين و لم تتشهد فذكرت قبل أن تركع فاقعد و تشهد و إن لم تذكر حتى تركع، فامض في صلاتك كما أنت فإذا انصرفت سجدة سجدة لا ركوع فيها ثم تشهد التشهد الذي فاتك].»

روایت دوم: «سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن رجل نسي أن يجلس في الركعتين الأُوليتين؟ فقال: [إن ذكره قبل أن يركع فليجلس و إن لم يذكر حتى يركع فليتم صلاته حتى إذا فرغ فليسلم و يسجد سجدة السهو و هو جالس].»

روایت سوم: «صحيحه عبد الله بن سنان»

تعدادی روایت با این مضمون داریم که صحيح سند و صريح دلالت هستند که دلالت بر این دارد که بعد از فراغ از نماز فقط باید سجده سهو بجا بیآورد و در این روایات به قضای تشهد فراموش شد متعرض نشده‌اند و اینکه در تمام روایاتی که بیان شده دلالتی بر عدم وجب آن می‌کند زیرا اگر غیر از این بود باید آن را بیان می‌کرد اگر چه فقط در بعضی از روایات آن را بیان می‌کرد. (بحرانی، شرح الرسالة الصلواتیه، ۱۴۰۳ق، ص ۸۳)

و روایت علی بن ابی حمزه را می‌توان حمل بر این اخبار کرد اینگونه که گفته شود مراد از تشهدى که در آن ذکر شده است تشهد سجده سهو می‌باشد و آن را به جای تشهدى که فراموش شده قرار داده است کما اینکه اصحاب نیز قائل به همین قول شده‌اند اما روایت صحيح محمد بن مسلم را می‌توان آن را توجه به روایات گذشته اینگونه حمل کرد که این روایت اختصاص دارد به تشهد در رکعت آخر و روایت گذشته در مورد تشهد اول بوده است.

در هر حال مسئله پیچیده و مشکل است اگر چه قول دوم ظاهرتر است اما احتیاط این است که به قول مشهور عمل کنیم.

اما احتیاط در مسئله اعاده دوباره نماز است به دلیل موثقه عمار که عبارت است از «عن أبی عبد الله (علیه السلام) فی روايه قال: فیها [و إن لم یذکر شیئاً من التّشهد أعاد الصّلاة]» و همچنین مانندای روایت از حمیری در کتاب قرب اسناد که عبارت است از «[من سهی عن رکن] یرجع إلیه ما لم یدخل فی رکن آخر». (بحرانی، شرح الرسالة الصلواتیه، ۱۴۰۳ق، ص ۸۳)

از صدوقین و شیخ و شیخ مفید نقل می‌کنند که اینان قائل به این هستند که تشهدى که در سجده سهو است مجزی از قضای تشهد فراموش شده است. (همان)

### قائلین به وجوب قضای تشهد فراموش شده علاوه بر انجام سجده سهو

#### کلام شیخ مفید

اگر کسی تشهد اول نماز را فراموش کرد و بعد از آن قبل از اینکه به رکوع رکعت سوم وارد شود یادش آمد که تشهد را نخوانده است بر می‌گردد می‌نشیند و تشهد را







می‌خواند و پس از آن بلند می‌شود و نمازش را ادامه می‌دهد و اعتنایی به قبل نکند مانند گفتن تسبیحات اما اگر بعد از رکوع رکعت سوم یادش آمد که تشهد نخوانده است نمازش را ادامه دهد و بعد از سلام نماز آن تشهد فراموش شده را قضاء کند و سپس سجده سهو بجا بیاورد. (لشیش المفید، المقنعة، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۸)

### کلام شیخ طوسی

اگر کسی تشهد اول را فراموش کرد و در حالی که ایستاده بود یادش بیاید که تشهد را نخوانده است بر می‌گردد و تشهد را می‌خواند اما اگر بعد از رکوع رکعت سوم یادش آمد که تشهد را نخوانده است نماز را ادامه می‌دهد و بعد از سلام قضای تشهد را بجا می‌آورد اما اگر کسی تشهد رکعت آخر را فراموش کرده باشد و بعد از سلام یادش بیاید که تشهد را نخوانده است بعد از سلام باید آن را قضاء کند. (لشیش الطوسی، الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد، ۱۳۷۵ش، ص ۲۶۶)

### کلام علامه حلی

کسی که تشهد اول را فراموش کند اگر قبل از اینکه به رکوع رکعت سوم برود یادش بیاید باید برگردد و تشهد را بجای آورد اما اگر بعد از رکوع رکعت سوم یادش آمد که تشهد را نخوانده است نماز را ادامه می‌دهد و بعد از سلام آن تشهد فراموش شده را قضا می‌کند و سپس سجده سهو بجا می‌آورد. (حلی، المعتمد فی شرح المختصر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۸۴)

همچنین ایشان در کتاب تحریر احکام می‌گویند اگر کسی تشهد اول را فراموش کند و قبل از رکوع بجا بیاورد و چیزی بر عهده او نمی‌باشد و نیاز به انجام سجده سهو ندارد اما اگر بعد از رکوع یادش بیاید نماز را ادامه می‌دهد و بعد از سلام قضای آن بجا می‌آورد و بعد از آن سجده سهو انجام می‌دهد.

اما اگر تشهد دوم را فراموش کرد و بعد از سلام یادش بیاید که تشهد را فراموش کرده است تشهد را قضا می‌کند و بعد از آن سجده سهو می‌رود اگر قبل از اینکه قضای تشهد را بجا بیاورد حدثی از او سر زد خودش را تطهیر می‌کند و بعد قضای آن را بجا می‌آورد

سپس سجده سهو می‌رود. (حلی، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیه، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۰۳)

اگر برای ما روشن شد که قیام مانعی از برگشت به سجده نمی‌باشد پس می‌توان گفت که مانعی نیز برای برگشتن به تشهد نمی‌باشد زیرا که محل تشهد به قیام نزدیک‌تر از سجده می‌باشد و همچنین زیادی قیام یک فعل کوچکی است که از روی سهو اتفاق افتاد است پس در نماز اشکالی ایجاد نمی‌کند پس انجام تشهد واجب است زیرا که محل آن باقی است و همچنین موید این قول روایت حلبی است: «روایة الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إذا قمت من الركعتين من الظهر أو غيرها و لم تشهد فيهما فذكرت قبل أن ترکع فاجلس و تشهد و أتم صلاتک وان لم تذكر حتى ترکع فليتم صلاته و ليسجد سجدين و هو جالس قبل أن يتکلم (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق، ج ۴، أبواب التشهد باب ۹ ح ۳)» همچنین اینکه گفتیم که واجب نیست که سجده سهو بجا بی‌آورد به دلیل روایت حلبی است: «عن الرجل يسهو في الصلاة فينسى التشهد؟ فقال: يرجع و يتشهد، قلت: أ يسجد سجدي السهو؟ فقال: لا ليس في هذا سجدا السهو» (همان)

اما اگر بعد از انجام رکوع یادش آمد که تشهد را انجام نداده است نمی‌تواند برگردد و تشهد را بجا بی‌آورد زیرا که رکوع حائل حساب می‌شود و مانع برگشتن می‌شود زیرا که اگر برگردد نماز باطل می‌شود.

### کلام شهید اول

اگر مقداری از تشهد را فراموش کرد برگردد آن را انجام دهد بهتر این است هرآنچه که فراموش شده است را انجام دهد اما احتمال دارد که گفت شود که باید تشهد را از سر بگیرد و بخواند به دلیل موالات را رعایت کرده باشد. (عاملی، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیه، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۰۶)

اگر تشهد اول را فراموش کرد سجده سهو باید بجا بی‌آورد انجام سجده سهو ما را بی‌نیاز از قضای تشهد فراموش شده نمی‌کند به خلاف نظر شیخ صدوق (صدوق، المقنع، ۱۴۱۵ق، ضمن الجوامع الفقهیة، ص ۹) که ایشان قائل به این هستند که سجده سهو ما را





بی نیاز می‌کنم از قضای تشهد فراموش شده اما اگر تشهد دو را فراموش کرد مانند تشهد آن را قضا می‌کند.

### کلام محقق کرکی

اگر کسی تشهد اول یا جزئی از اجزاء تشهد را فراموش کند و بعد از رکوع یادش بیاید نماز را ادامه بدهد و بعد سلام آن را قضا کن و سجده سهو بجا بیاورد.

اما اگر تشهد دوم را فراموش کند اگر قبل از سلام یا در اثناء سلام یادش آمد باید برگردد و تشهد را بخواند اما اگر بعد از سلام یادش آمد باید تشهد را قضا و سجده سهو بجا بیاورد. (کرکی، رسائل المحقق الکرکی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۲۶)

کلام موسوی عاملی

اگر کسی تشهد را فراموش کند و قبل از اینکه رکوع برود یادش بیاید باید برگردد و تشهد را بخواند سپس نماز را ادامه بدهد (عاملی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۲۳۶)

ایشان دلیل این حکم را اخبار می‌دانند که عبارت هستند از:

روایت شیخ از ابی غفور «عن أبی عبد الله علیه السلام، قال: سألته عن الرجل یصلی رکعتین من المکتوبه فلا یجلس فیهما، فقال: «إذا ذکر و هو قائم فی الثالثه فلیجلس، و أن لم یذكر حتی رکع فلیتم صلاته» ۱» ثم یسجد سجدة ین و هو جالس قبل أن یتکلم» (طوسی، التهذیب، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۱۵۹-۶۲۴؛ الإستبصار، ج ۱، صص ۳۶۳-۱۳۷۵، الوسائل، ج ۴، ص ۹۹۵ أبواب التشهد ب ۷ ح ۴؛ آوردها فی الفقیه ج ۱، صص ۲۳۱-۱۰۲۶).

روایت سلیمان بن خالد «قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن رجل نسی أن یجلس فی الرکعتین الأولتین، فقال: «إن ذکره قبل أن یرکع فلیجلس، و أن لم یذكر حتی یرکع فلیتم الصلاه حتی إذا فرغ فلیسلم و یسجد سجدة ین السهو» (طوسی، التهذیب، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۱۵۸-۶۱۸؛ الإستبصار، ج ۱، صص ۳۶۲-۱۳۷۴، الوسائل، ج ۴، ص ۹۹۵، أبواب التشهد ب ۷ ح ۳)

روایت حلبی «عن الحلبي عن أبی عبد الله علیه السلام، قال: «إذا قمت فی الرکعتین من الظهر أو من غيرها و لم تشهد فیهما فذکرت ذلك فی الرکعة الثالثه قبل أن ترکع

فاجلس و تشهد و قم فأتَم صلاتک، و أن أنت لم تَذکر حتی ترکع فامض فی صلاتک حتی تفرغ، فإذا فرغت فاسجد سجدةً السهو بعد التسليم قبل أن تتکلم» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، صص ۳۵۷-۳۵۸؛ التهذیب، ج ۲، صص ۳۴۴-۱۴۲۹، الوسائل، ج ۴، ص ۹۹۸، أبواب التَّشهُد ب ۹ ح ۳).

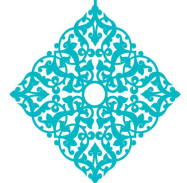
و روایت ابن مسلم «عن أحدهما علیهما السلام: فی الرجل یفرغ من صلاته و قد نسی التَّشهُد حتی ینصرف، فقال: «إن کان قریبا رجع إلی مکانه فتشهُد، و إلا طلب مکانا نظیفا فتشهُد فیهِ» (طوسی، التهذیب، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۱۵۷-۶۱۷؛ الوسائل، ج ۴، ص ۹۹۵؛ أبواب التَّشهُد ب ۷ ح ۲).

### کلام فاضل نراقی

اگر مکلف تشهد دوم را فراموش کرد و بعد از سلام نماز یادش آمد که تشهد را نخوانده است قضای تشهد را بجا می آورد. (نراقی، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۱۱۰)

زیرا که شهید در کتاب ذکری بیان می کنند که فرقی بین تشهد اول و دوم نمی باشد. اما این توهم ایجاد نشود که اصحاب دو تشهد را متحد می دانند زیرا که اینگونه نمی باشد در کتاب حدائق در بحث قضای تشهد این گونه بیان کرده است صحیح محمد بن مسلم در مورد تشهد دوم می باشد در حالی که محل بحث در اخبار و کلام فقهاء تشهد اول می باشد بلکه حتی در دو روایت صحیح نیز اینگونه است که فرق است بین تشهد اول و دوم زیرا که در صحیح محمد بن مسلم: «فی الرجل یفرغ من صلاته و قد نسی التَّشهُد حتی ینصرف، فقال: «إن کان قریبا رجع إلی مکانه فتشهُد، و إلا طلب مکانا نظیفا فتشهُد فیهِ» (طوسی، التهذیب، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۱۵۷-۶۱۷، الوسائل، ج ۶، ص ۴۰۱، أبواب التَّشهُد ب ۷ ح ۲).

و همچنین روایت حلبی: «عن الرجل یسهو فی الصلاه فینسی التَّشهُد، قال: یرجع فیتشهُد» قلت: أ یسجد سجدةً السهو؟ فقال: «لا، لیس فی هذا سجدة السهو» (همان، صص ۱۵۸-۶۲۲).





مگر اینکه در دلالت بعضی از اینان بر وجوب اشکال است اما این اشکال با انضمام بعضی با بعض دیگر و اجماع مرکب دفع می‌شود.

بنابر نظر مشهور بعد از قضای تشهد سلام واجب نیست زیرا که سبب خروج نماز می‌شود به خلاف افراد دیگر از جمله در کتاب خلاف و نهایه و مقنع و در کتاب جمل و ابن حمزه و علامه حلی که قائل به وجوب سلام شده‌اند و استنادشان به این مطلب است که این سلام در جایگاه خود نمی‌باشد پس به سبب آن خروج از نماز حاصل نمی‌شود بر خلاف جایی که تشهد اول را فراموش کرده برای اینکه تجاوز از محل صدق کند سلام در جای خود قرار می‌گیرد و به سبب آن از نماز خارج می‌شود و تشهد قضا می‌شود در حالی که اگر در تشهد اینگونه بیان کردید باید در نسیان سجده واحد یا سجود در دو رکعت آخر نیز به این امر ملتزم بشوید و همچنین موجب می‌شود در صورت خروج حدث ملتزم به بطلان نماز بشویم همانطور که بعضی از آنان به این امر تصریح کرده‌اند اما قول این‌ها را رد می‌کنیم با بیان این نکته که خروج از نماز متوقف و مبتنی بر این امر نیست که سلام در جایگاه خودش انجام شده باشد بلکه از خروج از نماز را با عموم اخبار به دست می‌آوریم. (نراقی، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۱۱۱)

### کلام محقق قمی

تشهد رکن نمی‌باشد اگر عمدا ترک بشود موجب بطلان نماز می‌شود اما اگر سهو ترک بشود اگر تشهد فراموش شده تشهد اول بود و قبل از تجاوز از محل تشهد یعنی قبل از اینکه وارد رکن بعدی به شود یادش آمد که تشهد را نخوانده است باید برگردد و آن را بجا بیاورد اما اگر از محل تشهد تجاوز کرده بود یعنی وارد رکن بعدی شده بود بیاد بعد از نماز قضای و همچنین سجده سهو بجا بیاورد. (مناهج الأحكام فی مسائل الحلال و الحرام، ۱۴۲۰ق، ص ۳۶۷)

این دلیل این حکم را اجماع و اخبار مستفیض می‌دانند که در ادامه به ذکر این اخبار می‌پردازیم. (همان، ص ۳۶۷)

اخباری که دلالت بر این مطلب دارد که اگر قبل از تجاوز از محل یادش آمد نیاز به سجده سهو ندارد.

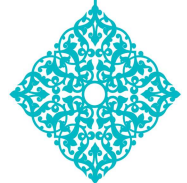
روایت اول: «فروی سلیمان بن خالد فی الصحیح قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن رجل نسي أن يجلس في الركعتين الأولىين، فقال: إن ذكر قبل أن يركع فيجلس، و إن لم يذكر حتى يركع فليتم الصلاة حتى إذا فرغ فليسلم و ليسجد سجدة السهو (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۹۵، ب ۷ من أبواب التشهد ح ۳)».

روایت دوم: «و روی ابن ابی یغفور فی الصحیح أيضاً عنه (عليه السلام) قال: سألته عن الرجل يصلي ركعتين من المكتوبة فلا يجلس فيهما، فقال: إن كان ذكر و هو قائم في الثالث فيجلس، و إن لم يذكر حتى يركع فليتم صلاته، ثم يسجد سجدة و هو جالس قبل أن يتكلم (همان)».

روایت سوم: «و الحلبي أيضاً في الصحیح عنه (عليه السلام) عن الرجل يسهو في الصلاة فنتسى التشهد، قال: يرجع فيتشهد، قلت: أ يسجد سجدة السهو؟ فقال: لا، ليس في هذا سجدة السهو (همان، ص ۹۹۸)».

اما اگر از محل تجاوز کرد و بعد از آن یادش آمد باید قضای آن و همچنین سجده سهو بجا بیاورد ظاهر این است که این حکم اجماعی است و همچنین اخبار مستفیضه‌ای بر آن دلالت می‌کند. (گیلانی، مناهج الأحكام فی مسائل الحلال و الحرام، ۱۴۲۰ق، ص ۳۶۸) مشهور قائل به این است که علاوه بر سجده سهو قضای تشهد نیز واجب می‌باشد بخلاف سجده واحد این حکم در تشهد اجماعی است به دلیل روایت صحیح محم بن مسلم که عبارت است از «عن أحدهما (عليهما السلام) في الرجل يفرغ من صلاته و قد نسي التشهد حتى ينصرف، فقال: إن كان قريباً رجع إلى مكانه فتشهد، و إلا طلب مكاناً نظيفاً فتشهد فيه، و قال: إنما التشهد سنة في الصلاة (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۹۵، ب ۷ من أبواب التشهد ح ۲)».

و همچنین روایت علی بن ابی حمزه که عبارت است از «حمزة قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): إذا قمت في الركعتين الأولىين و لم تشهد فذكرت قبل أن تركع فاقعد و تشهد، و إن لم تذكر حتى تركع فامض في صلاتك كما أنت، فإذا انصرفت سجدت سجدة لا ركوع فيهما، ثم تشهد التشهد الذي فاتك (همان)».





اما از شیخ مفید و صدوقین نقل شده است که قائل به عدم وجوب قضای تشهد فراموش شده و تشهدی که در سجده سهو وجود دارد مجزی از انجام تشهد قضا می‌باشد علاوه بر اصل اخبار کثیری نیز دلالت بر همین قول می‌کند که عبارت هستند از:

روایت اول: «و منها: صحیح‌ه‌ الحسین بن أبی العلاء قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن الرجل يصلّي الركعتين من المكتوبه لا يجلس فيهما حتى يركع في الثالثة، قال: فليتمّ صلاته ثمّ يسلمّ و يسجد سجدة السهو و هو جالس قبل أن يتكلم (همان، ص ۹۹۶)»  
و همچنین مثل این روایت صحیح‌ه‌ای از ابن ابی یعقور (همان) نقل شده است.

روایت دوم: «و منها: حسنه فضیل بن یسار لإبراهیم بن هاشم عن الباقر (عليه السلام) فی الرجل يصلّي ركعتين من المكتوبه ثمّ ينسى فيقوم قبل أن يجلس بينهما، قال: فليجلس ما لم يركع و قد تمّت صلاته، فإن لم يذكر حتى ركع فليمض في صلاته، و إذا سلمّ سجد سجدة (همان، ص ۹۹۷)» و همچنین هم معنای این روایت حسنه‌ای از حلبی نیز نقل شده است و این قول خالی از قوت نمی‌باشد. اما اگر تشهد دوم فراموش شده باشد ظاهر این است که مشهور قائل وجوب قضای تشهد فراموش شده‌اند و فرقی بین دو تشهد نمی‌باشد در کتاب ذخیره تصریح شده است که کسی از اصحاب قائل به تفصیل نشده است. (سبزواری، ذخیره المعاد، ۱۲۴۷ق، ص ۳۷۳)

اما در کتاب مفاتیح (کاشانی، مفاتیح الشرائع، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۵۰) به شیخ صدوق نسبت تفرقه دادن است به گونه‌ای که در مقام اول هم نظر بودن با شیخ مفید را نقل کرده است و آنچه که مشهور است همین مطلب است و همچنین با تمسک به ظاهر حدیث صحیح محد بن مسلم این نظر را ترجیح داده است که مراد تشهد دوم است.

حالا ناچاریم روایت علی بن ابی حمزه را این گونه توجیه کنیم که مراد از «التشهد» در آن تشهد سجده سهو می‌باشد تا اینکه موافق با بسیاری از اخبار شود و همچنین باید موثقه ابی بصیر «قال: سألته عن الرجل ينسى أن يتشهد، قال: يسجد سجدة يتشهد فيهما (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۹۶، ب ۷ من أبواب التشهد ح ۶)» را حمل بر مقام اول کنیم.

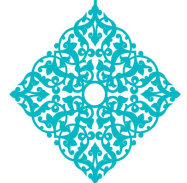
حال برای جمع روایات را چند راه پیش رو داریم یا اینکه همه روایات را حمل بر آن دو روایت کنیم و در هر دو مقام ملتزم به قضای تشهد بشویم زیرا که مشهور اصحاب به آن عمل کرده‌اند و فرقی بین مقام اول و دوم (تشهد اول و دوم) نمی‌باشد. یا اینکه روایت ابی حمزه را آن گونه که گفتیم حمل کنیم زیرا که نمی‌تواند در مقابل بسیاری از اخبار صحیحیه مقاومت کند که این اخبار در مقام اول فقط دلالت بر سجده سهو می‌کنند و همچنین آن صحیحیه را نیز حمل بر استحباب کنیم زیرا که در مقابل کثیر از اخبار توان مقاومت ندارد یا قائل بشویم که در مورد مقام اول نمی‌باشد زیرا که ظهور در مقام دوم دارد.

می‌توان دلیل ادعای اینکه ظهور در مقام دوم دارد را این گونه بیان کرد از قول امام که «قوله عليه السلام: و قد نسي التشهد حتى ينصرف» معلوم می‌شود که غرض از آن وصل کردن آن به هیئت سابقه نماز می‌باشد پس این روایت در مقام دوم حجت می‌باشد. نظر مشهور بهتر و موافق احتیاط است بلکه همین نظر درست می‌باشد. (گیلانی، مناهج الأحكام فی مسائل الحلال و الحرام، ۱۴۲۰ق، ص ۳۷۰)

همچنین روایت دیگر نیز است که به صورت مطلق دلالت بر وجوب قضای تشهد می‌کند

روایت اول: «صحيحه ابن سنان: إذا نسي شيئاً من الصلاة ركوعاً أو سجوداً أو تكبيراً فاقض الذي فاتك سهواً (عاملي، وسائل الشيعه، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۳۷، ب ۲۳ من أبواب الخلل ح ۷)».

روایت دوم: «و صحيحه حكم بن حكيم عن أبي عبد الله (عليه السلام) في رجل نسي ركعاً أو سجده أو الشيء منها، ثم يذكر بعد ذلك، قال: يقضى ذلك بعينه، قلت: أ يعيد الصلاة؟ فقال: لا (عاملي، وسائل الشيعه، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۳۴، ب ۱۱ من أبواب الركوع ح ۱)» بعض گفته‌اند که مراد از رکعت همان معنای حقیقی خود است پس مراد از (شی منها) افعالی مانند قنوت و تشهد و مانند آن می‌شود.







روایت سوم: در کتاب ذکری این روایت را نقل کرده است «روایه الحلبی عنه (علیه السلام): إذا نسيت من صلاتك فذكرت قبلان تسلّم أو بعد ما تسلّم أو تكلمت فانظر ألدی كان نقص من صلاتك فأتمه (عاملی، ذکری الشیعۀ، ۱۴۱۹ق، ص ۲۲۰)».

### کلام سید خوئی

اگر مکلف غیرارکان را فراموش کند نمازش باطل نمی‌شود در این هنگام اگر محل تدارک باقی نبود سجده سهو واجب است به دلیل اینکه نقصانی در نماز ایجاد کرده است اما در سجده واحد و تشهد باید بعد از سلام نماز قضای آنان را نیز بجا بیاورد و سپس سجده سهو برود اما اگر محل تدارک باقی بود باید برگردد و آن را انجام دهد و سجده سهو برود به دلیل اینکه زیادی در نماز ایجاد کرده است. (خوئی، موسوعه الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۸، ص ۸۵)

اما ایشان قول اقوی را عدم وجوب قضای تشهد فراموش شده می‌دانند. (همان، ج ۱۸، ص ۱۰۰)

حدیث لاتعداد که شامل تمام اجزاء و شرایط غیر رکنیه نمی‌شود مگر آنچه را که با دلیل خارج شده باشد و در غیر آن به اطلاق آن تمسک می‌کنیم و حکم به صحت نماز داده است در این هنگام اگر محل تدارک باقی بود بر می‌گردیم و تدارک می‌کنیم اما اگر محل تدارک باقی نبود نماز را ادامه می‌دهیم و به دلیل ایجاد نقیصان سجده سهو بجا می‌آوریم. (بحرانی، شرح الرسالة الصلواتیه؛ ۱۴۰۳ق، ص ۸۳)

اما تشهد و سجده واحد از این حکم مستثنی می‌شوند این دو از دیگر اجزاء متمایز هستند و وجه تمایز این دو عبارت است از وجوب قضا و انجام سجده سهو در صورتی که بعد از فوت محل متوجه شدند اما اگر قبل از فوت محل متوجه فراموشی این دو شدند باید تدارک کنند.

اما تشهد فراموش شده: مشهور قائل به وجوب قضای آن هستند اما جماعتی از جمله آنان صاحب کتاب حدائق قائل به عدم وجوب قضای آن هستند زیرا که تشهدی که در سجده سهو است را مجزی از قضای آن می‌دانند و از ماتن نقل شده است که در صورت فراموشی تشهد نماز باطل می‌شود.

اما مستند قول دوم دو روایت است:

روایت اول: موثقه عمار «عن أبي عبد الله (عليه السلام) «قال: إن نسي الرجل التشهد في الصلاة فذكر أنه قال: بسم الله، فقد جازت صلاته، و إن لم يذكر شيئاً من التشهد أعاد الصلاة (عاملي، الوسائل، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۰۳، أبواب التشهد ب ۷ ح ۷)».

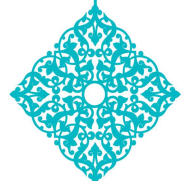
روایت دوم: علی بن جعفر «عن رجل ترك التشهد حتى سلم كيف يصنع؟ قال: إن ذكر قبل أن يسلم فليتشهد و عليه سجدة السهو، و إن ذكر أنه قال: أشهد أن لا إله إلا الله، أو بسم الله، أجزاء في صلاته، و إن لم يتكلم بقليل و لا كثير حتى يسلم أعاد الصلاة (همان، ص ۴۰۴)».

اما روایت دوم ضعیف است به دلیل وجود عبدالله بن حسن اما عمده روات موثق هستند تنها مشکل این است که این دو خبر معارض هستند با اخبار مستفیضه ای که معتبر هستند اگر به حد تواتر نرسیده باشد که تصریح به عدم بطلان نماز دارد که از جمله آن روایات صحیحه لاتعداد است پس شکی نیست که آن نصوص ترجیح دارند به دلیل کثرتشان بلکه به دلیل اینکه اصحاب بر آن اجماع کرده اند زیرا که به روایت موثقه به غیر از کاتب هیچ کسی عمل نکرده است. (خویی، موسوعه الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۸، ص ۹۵) اما قول مشهور یعنی وجوب قضای تشهد قبل از سجده سهو تعدادی از نصوص بر آن دلالت دارد

روایت اول: حکم بن حکیم «صحیحته حکم بن حکیم قال: «سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن رجل ينسى من صلاته ركعة أو سجدة أو الشيء منها ثم يذكر بعد ذلك، فقال: يقضى ذلك بعينه، فقلت: أ يعيد الصلاة؟ فقال: لا (عاملي، الوسائل، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۰۰، أبواب الخلل الواقع في الصلاة ب ۳ ح ۶)» در این روایت از اطلاق کلمه شی تشهد نیز برداشت می شود و غیر از تشهد را به وسیله اجماع بر اینکه قضا ندارد خارج می شوند.

### اشکالات

اطلاق مزبور تعارض دارد با اطلاق دیگر که عبارت است از «قوله (عليه السلام): «يقضى ذلك بعينه» مراد از قضا آن اصطلاحی یعنی خارج از نماز آن را انجام دادن که رایج در بین فقها است نمی باشد بلکه قضا در آیات و روایات بر معنای لغوی خود حمل می شود





یعنی مطلق اتیان همانطور که در قرآن اینگونه (فی قوله تعالی فَإِذَا قُضِيَتْمْ مِّنْ أَسْكَكُمْ) بیان شده است.

بنابراین مراد از کمله قضا در مقام معنای اصطلاحی آن در بین فقها قطعاً نمی‌باشد زیرا رکعت که در مقابل سجود قرار گرفته است به معنای رکوع می‌باشد و مراد یک رکعت تام اصطلاحی نمی‌باشد همانگونه که معنای لغوی نیز موید همین معنا می‌باشد همانا کلمه رکعت و رکوع از مصدر رکع گرفته شده‌اند همانطور که سجده و سجود از مصدر سجد گرفته شده‌اند و همچنین شکی نیست که رکوع فراموش شده قضا نمی‌شود بلکه نماز با فراموش کرده رکوع باطل می‌شود پس مراد از قضا مطلق انجام آنچه که فراموش شده است می‌باشد خواه در محل متوجه شود یا اینکه بعد از محل متوجه بشود.

پس نتیجه می‌گیریم که نمی‌توانیم به هر دو اطلاق اخذ کنیم به گونه‌ای که حکم کنیم به وجوب تدارک آنچه که فراموش شده است هر فعلی که بود و هر زمانی که یادش آمد زیرا این حکم منقض هست نسبت به قرائت و مانند حال امر دائر مدار است بین اخذ به اطلاق اول و آن را اختصاص به تشهد بدهیم همراه با حفظ اطلاق دوم اینگونه معنا می‌شود که تشهد فراموش شده باید در هر صورت تدارک شود خواه در نماز باید و محل آن باقی باشد یا خارج از نماز باشد و محل آن باقی نباشد و بین اینکه عکس این مطلب را لحاظ کنیم همراه با حفظ اطلاق اول در حالی که تدارک را مقید کنیم به زمانی که محل آن باقی باشد پس حکم می‌کنیم به اینکه هر جزئی از اجزاء نماز مانند تشهد و غیر آن اگر محلش باقی بود تدارک واجب است و اگر محل باقی نبود تدارک واجب نمی‌باشد.

این استدلال مبتنی بر ترجیح احتمال اول می‌باشد در حالی که این استدلال ظهور ندارد زیرا چگونگی می‌شود فراموش کردن رکوع که در عبارت عطف شده است به کلمه شی موجب اعاده نماز بشود اما موجب وجوب قضا نشود و در تشهد حکم به وجوب قضا بشود اما موجب اعاده نماز نشود بلکه آنچه که ظهور بیشتری دارد احتمال دوم می‌باشد.

پس طبق احتمال دوم مفاد صحیحه این گونه می‌شود که هر جزئی که فراموش می‌شود اگر محل آن باقی باشد باید تدارک شود و نسبت به انجام قضای آن متعرض نشده است همچنین صحیحه ابن سنان که عبارت است از: «إِذَا نَسِيتَ شَيْئاً مِنَ الصَّلَاةِ رُكُوعاً أَوْ سَجُوداً»

أو تكبيراً ثم ذكرت فاصنع الذي فاتك سواء» نیز موید این احتمال می‌باشد زیرا که امر به تدارک کرده است در صورتی که متذکر فراموشی جزء فراموش شده بشود پنهان نیست که مضمون هر کدام مطابق با مضمون دیگر است.

پس بنابراین این روایت صحیحه ربطی به مقام ما ندارد یا اینکه لااقل بگوییم که هر دو احتمال مساوی هستند و همچنین احتمال اول که مبتنی بر استدلال است ظهوری ندارد پس نهایتاً اجمال باعث رد استدلال می‌شود.

روایت دوم: صحیحه محمد بن مسلم «صحیحه محمد بن مسلم عن أحدهما (عليهما السلام): «في الرجل يفرغ من صلاته و قد نسي التشهد حتى ينصرف، فقال: إن كان قريباً رجع إلى مكانه فتشهد، و إلا طلب مكاناً نظيفاً فتشهد فيه، و قال: إنما التشهد سنة في الصلاة».

### اشکالات

در کتاب حدائق بیان شده است که مورد این روایت تشهد آخر می‌باشد در حالی که محل بحث و کلام اصحاب در مورد تشهد اول می‌باشد به گونه‌ای که تفصیل است بین یادآوری قبل از رکوع یا بعد رکوع باشد. (بحرانی، الحدائق، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۱۵۴)

محقق همدانی بیان می‌کنند که نمی‌شود این صحیحه اختصاص به تشهد دوم داشته باشد بلکه به دلیل ندرت فراموشی در تشهد دوم موجب می‌شود که صحیحه انصراف به تشهد اول داشته باشد یا اینکه لااقل موجب شود که سوال اختصاص به تشهد دوم نداشته باشد بلکه شامل تشهد اول نیز بشود تا این بشود از اطلاق جواب آن استفاده شود. (همدانی، مصباح الفقیه، ۱۴۱۶ق، ص ۵۵۱)

جواب می‌دهیم که آنچه که از ظاهر بر می‌آید استظهار فاضل نراقی در کتاب حدائق صحیح می‌باشد و به قرینه این عبارت (حتیٰ ينصرف) صحیحه اختصاص به تشهد دوم دارد زیرا که کاشف از استمرار فراموشی تا زمان انصراف است زیرا اگر مراد از آن تشهد اول می‌بود این تعبیر لغو می‌بود پس بنابراین قول به دلیل مجرد خارج شدن از محل آن یعنی داخل در رکوع رکعت سوم و وجوب قضای تشهد ثابت می‌شود خواه بعد از رکوع یادش بیاید یا اینکه فراموشی او تا بعد از اتمام نماز ادامه داشته باشد.





به خلاف نظر دیگر زیرا که فراموشی فقط بعد فراغ از نماز تحقیق پیدا می‌کند چون اگر قبل از فراغ از نماز یادش آمد در ظرف و محل تشهد یادش آمده است پس اصلاً فراموشی نمی‌باشد.

بنابراین مضمون روایت صحیحه که دلالت بر رجوع و تدارک می‌کند این حکم مطابق با قاعده است زیرا که سلام از روی سهو در محل خودش انجام نشده است و باعث خروج نماز نمی‌شود پس مکلف تا زمانی که فعل منافی نماز انجام نداده است باید بعد از نماز برگردد به مکان خودش یا اینکه مکان پاکی را پیدا کند تشهد بخواند و بعد از آن سلام بدهد اما درسته که این تشهد در محل خود انجام نشده است اما قضای تشهد حساب نمی‌شود.

خلاصه کلام: با وجود قرینه مزبور روایت صحیحه ظهور در تشهد دوم دارد یا لااقل بگوئیم ظهوری در اطلاق ندارد زیرا قرائتی وجود دارد که می‌توان مانع این ظهور بشود پس بنابراین این روایت صحیحه از دلالت بر این مقام ساقط می‌شود.

روایت سوم: علی بن ابی حمزه «قال قال أبو عبد الله (عليه السلام): إذا قمت في الركعتين الأولتين و لم تتشهد فذكرت قبلان تركع فاقعد فتشهد و إن لم تذكر حتى تركع فامض في صلاتك كما أنت، فإذا انصرفت سجدت سجدتين لا ركوع فيهما، ثم تشهد التشهد الذي فاتك (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۴۴، أبواب الخلل الواقع في الصلاة ب ۲۶ ح ۲)».

این روایت اگر چه که ظهور بلکه تصریح در فراموشی تشهد اول دارد اما نمی‌شود به آن استدلال کرد زیرا سه اشکال در آن وجود دارد

۱- سند این روایت ضعیف می‌باشد زیرا علی بن ابی حمزه را شیخ (لم نجد له تصریحاً بذلك، بل صرح فی عدّة الأصول، ج ۱، ص ۵۶) و غیر از ایشان تضعیف کرده‌اند.

۲- از حیث دلالتی نیز قصور دارد زیرا قول «فإنّ قوله (عليه السلام): «سجد سجدتين..» اشاره به سجده سهو دارد و سپس که فرموده‌اند «فقوله (عليه السلام) «ثمّ تشهد»» مراد از تشهدی که در آن بیان شده است تشهد سجده سهو می‌باشد چون تشهد سجده سهو

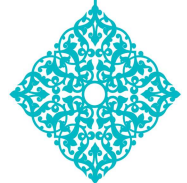
به جای تشهد فراموش شده قرار می‌گیرد پس این روایت دلالت بر وجوب قضای تشهد نمی‌کند.

۳- اگر قبول کنیم که این روایت بر وجوب قضای تشهد دلالت دارد اما مضمون آن با فتوای مشهور یکی نمی‌باشد زیرا که مشهور قضای تشهد فراموش شده است را مقدم بر سجده سهو می‌دانند و فاصله انداختن را جایز نمی‌دانند در حالی که روایت بر عکس این فتوا دلالت دارد فلذا اگر کبری قاعده انجبار ضعف سند را به دلیل عمل مشهور هم قبول کنیم باز هم ضعف این روایت درست نمی‌شود چون کسی به مضمون آن عمل نکرده است پس نمی‌توان به این روایت استناد کرد.

پس نتیجه می‌گیریم تمام روایاتی که مشهور بر آنان استدلال کرده‌اند به دلیل قصور دلالی و سندی مخدوش می‌باشند.

علاوه بر مطالبی که بیان کردیم روایت مستفیضه بسیاری در مقام داریم که دلالت بر این مطلب دارد که اگر کسی تشهد را فراموش کرده باشد فقط سجده سهو بر او واجب است زیرا لفظ قضا در این روایات بیان نشده است مانند صحیح‌ه سلیمان بن خالد «عن رجل نسی أن يجلس في الركعتين الأولتين، فقال: أن ذكر قبل أن يركع فليجلس، و أن لم يذكر حتى يركع فليتم الصلاة حتى إذا فرغ فليسلم و ليسجد سجدة السهو (عاملی، الوسائل، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۰۲/ أبواب التشهد ب ۷ ح ۳)» و مانند آن مثل صحیح‌ه ابن ابی یغفور و حسین به ابی علا (همان) و فضیل بن یسار و حلبی (همان، ص ۴۰۵) و موققه ابی بصیر (همان، ص ۴۰۳) اگر قضای تشهد واجب می‌بود پس چرا آن را بیان نکرده است؟ چرا فقط به بیان سجده سهو اقتصار کرده است؟ پس کشف می‌شود که قضای تشهد واجب نمی‌باشد و در صورت شک در مقام نیز اصالت برائت جاری می‌می‌کنیم.

پس نظر اقوی موافق با شیخ مفید (حکاه عنه فی المختلف، ج ۲، ص ۴۰۵) و صدوقین (صدوق، الفقیه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳۳؛ و حکای العلامه عن والد الصدوق فی المختلف، ج ۲، ص ۴۰۵؛ المسأله، ص ۲۸۸؛ راجع فقه الرضا، ص ۱۱۸) و صاحب حدائق (بحرانی، الحدائق، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۱۵۳) می‌باشد که فراموش کننده تشهد فقط سجده سهو بر





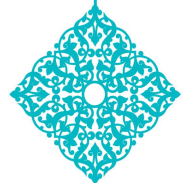
او واجب است و تشهدی که در سجده سهو وجود دارد ما را از قضای تشهد فراموش شده بی نیاز می‌کند اما آنچه که مشهور به آن فتوا داد بنا بر احتیاط می‌باشد.

### نتیجه گیری

نقصان عمدی در تشهد چه قبل و چه بعد از محل تدارک موجب بطلان نماز می‌شود. نقصان سهوی در تشهد اگر قبل از محل تدارک باشد باید برگردد و آن را دوباره اعاده کند اما اگر بعد از محل تدارک باشد در این مسئله بین فقها اختلاف می‌باشد مشهور قائل وجوب قضای تشهد را فراموش شده و علاوه بر آن باید بعد از نماز سجده سهو نیز بجا بیاورد. اما بعضی قائل به وجوب سجده سهو فقط می‌باشند و بیان می‌کنند که تشهد در سجده سهو ما را از قضای تشهد فراموش شده بی نیاز می‌کند اما برخی دیگر قائل به بطلان نماز می‌باشد.

### فهرست منابع

۱. اشتهاوردی، علی پناه، «مدارک العروة»، تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ق.
۲. بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی، «القواعد الفقهية»، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۹ق.
۳. بحرانی، آل عصفور یوسف بن احمد بن ابراهیم، «الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۴. بن علی، زین الدین، «مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام»، بیروت: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۵. بغدادی، مفید محمد بن محمد بن نعمان عکبری، «المقنعة للشيخ المفيد»، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۶. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، «ریاض المسائل»، ریاض: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۸ق.
۷. حکیم، سید محسن طباطبایی، «مستمسک العروة الوثق»، تهران: دار التفسیر، ۱۳۷۴ش.
۸. حلّی، ابن ادريس محمد بن منصور بن احمد، «السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی»، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۹. \_\_\_\_\_ «نهاییه الاحکام فی معرفه الاحکام»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ق.
۱۰. \_\_\_\_\_ «المعتبر فی شرح المختصر»، قم: مؤسسه سيد الشهداء عليه السلام، ۱۴۰۷ق.
۱۱. حلّی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، «تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحديثة)»، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۴۲۰ق.
۱۲. \_\_\_\_\_ «تذکره الفقهاء (ط - الحديثة)»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۱۳. خمینی، روح الله، «الخلل فی الصلاة (امام)»، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره)، ۱۳۹۲ش.

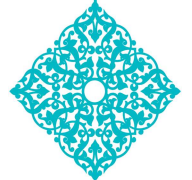






۱۴. \_\_\_\_\_ «تحریر الوسیله»، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره)، ۱۳۹۲ش.
۱۵. خمینی، سید مصطفی، «الخلل فی الصلاة»، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره)، ۱۳۷۶ش.
۱۶. خوئی، سید ابوالقاسم، «موسوعه الإمام الخوئی»، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ق.
۱۷. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، «أحكام الخلل فی الصلاة»، قم: نشر الكتب المذهبي، ۱۴۱۳ق.
۱۸. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، «ملحق أحكام الخلل (للشيخ الأنصاري)»، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شيخ اعظم انصاری، ۱۴۱۳ق.
۱۹. سبزواری، سید عبد الأعلى، «مهذب الأحكام»، قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ق.
۲۰. سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن، «ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۲۴۷ق.
۲۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، «مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام»، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۲۲. صاحب، جواهر محمدحسن بن باقر، «جواهر الكلام»، بیروت: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۱ق.
۲۳. طباطبایی، کربلایی علی بن محمد علی، «ریاض المسائل»، بیروت: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ق.
۲۴. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، «الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد»، تهران: انتشارات کتابخانه، ۱۳۷۵ش.
۲۵. \_\_\_\_\_ «الخلاف»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲۶. \_\_\_\_\_ «الاستبصار فیما اختلف من الأخبار»، تهران: دار الكتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.
۲۷. \_\_\_\_\_ «تهذیب الأحكام»، تهران: دار الكتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

۲۸. عاملی، ابو جعفر محمد بن حسن، «استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ق.
۲۹. \_\_\_\_\_ «مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام»، بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۱ق.
۳۰. \_\_\_\_\_ «وسائل الشیعة»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۱. \_\_\_\_\_ «الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة»، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۳۲. \_\_\_\_\_ «ذکرى الشیعة فی أحكام الشریعة»، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ق.
۳۳. \_\_\_\_\_ «مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام»، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۳۴. عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل حذاء، «مجموعه فتاوى ابن أبی عقیل»، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۹۹۷م.
۳۵. کابلی، محمد اسحاق فیاض، «تعالیق مبسوطه على العروه الوثقی»، قم: انتشارات محلاتی، ۱۴۰۴ق.
۳۶. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، «الكافی (ط - الإسلامیة)»، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۷. \_\_\_\_\_ «مناهج الأحكام فی مسائل الحلال و الحرام»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۰ق.
۳۸. نائینی، میرزا محمد حسین غروی، «کتاب الصلاة»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۳۹. نجفی، عباس بن حسن بن جعفر، «کاشف الغطاء العروه الوثقی فی الدین»، بیروت: مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۰۳ق.
۴۰. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، «مصباح الفقیه»، قم: مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.





۴۱. \_\_\_\_\_ «جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام»، لبنان: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۴ق.
۴۲. يزدي، مرتضى بن عبد الكريم حائري، «خلل الصلاة و أحكامه»، قم: انتشارات اسلامي، ۱۴۲۰ق.
۴۳. يزدي، محمد كاظم بن عبد العظيم، «جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم»، قم: مؤسسه النشر الإسلامي، ۱۴۲۱ق.
۴۴. يزدي، سيد محمد كاظم طباطبائي، «العروة الوثقى مع تعليقات الإمام الخميني»، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره، ۱۴۲۲ق.
۴۵. يزدي، عبد الكريم حائري، «كتاب الصلاة (للحائري)»، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزة علميه قم، ۱۴۰۴ق.